

همایش پژوهشی :

تحلیل اقتصادی جنگ تحمیلی

تهیه کننده : مهدی زروندی

ارایه کننده : دانشکده و پژوهشکده علوم دفاعی و امنیت ملی

دبیر همایش : حسین درّی نوگورانی

زمان برگزاری : ۱۳۸۴/۷/۱۲

عناوین ارائه شده در همایش:

- ۱- مقاله مبانی نظری تحلیل اقتصادی جنگ تحمیلی؛
حسین درّی نوگورانی
- ۲- تجربه اقتصادی جنگها؛
دکتر علی کاوند
- ۳- تحلیل نظام مند و پویای اثرات جنگ تحمیلی بر اقتصاد ملی ج.ا.ا؛
محمدرضا دره شیرینی
- ۴- اقتصاد منطقه ای (استانی) جنگ تحمیلی؛
صمد برزویان
- ۵- روند تحولات عمده سیاسی ، نظامی و اقتصادی در دوران دفاع مقدس؛
حسین درّی نوگورانی

اشاره

جنگها همواره تأثیر شگرفی بر زندگی بشری برجای گذاشته‌اند. این تأثیرات دارای جنبه‌های مثبت و منفی هستند و صرف‌نظر از ضایعات انسانی (تلفات و جراحتهای جسمی و آسیبهای روانی) و خسارات دفعی که بعضاً با گذر ایام تداوم می‌یابند، برخی از اثرات، به صورت سرایت‌پذیر و کاهنده یا فزاینده، تا نسلهای متعدد انتقال می‌یابند. در این میان، نه تنها طرفهای درگیر به گونه‌ای مثبت یا منفی از جنگ تأثیر می‌پذیرند، بلکه کشورها و مجامع دور افتاده و حتی فضای جهانی نیز کمابیش تحت تأثیر جنگها قرار می‌گیرند. به عقیده برخی صاحب‌نظران، جنگها مشخص‌ترین و مبادی تاریخ، و در همان حال، مرزهایی هستند که مراحل مهم حوادث را از یکدیگر متمایز می‌کنند. تقریباً تمام تمدنهای معروف، در اثر جنگ از بین رفته‌اند و تمام تمدنهای جدید نیز با جنگ پا به عرصه وجود گذاشته‌اند.

جنگ تحمیلی نیز که به دفاعی مقدس انجامید، درحساسترین برهه تاریخی جمهوری اسلامی ایران از هر دو جنبه منفی و مثبت، تکان‌دهنده بود. تحلیل علمی این جنگ که حدود ۱۸ سال از پایان عملیتهای آن می‌گذرد، از این جهت اهمیت دارد که عملکرد جامع نظام جمهوری اسلامی ایران و پیامدهای یک رویداد برگشت‌ناپذیر بسیار پرهزینه را در یک وضعیت بحرانی جنگی که شدیدترین نوع بحران به حساب می‌آید، به آزمون تجربه می‌گذارد، و آن را تحت فشاری عینی، کالبد شکافی می‌کند. آشکار است که یک سیستم تحت فشار شدید بحران، ماهیت و ژرفای وجودی‌اش را به بهترین وجه بروز می‌دهد و تحلیلگران را از آسیب‌پذیریهای واقعی و توانمندیهای بالفعل و بالقوه خود آگاه می‌سازد.

جنگ تحمیلی تاکنون از جنبه‌های مختلف سیاسی - نظامی - اجتماعی، در

مجامع عمومی و یا به طور محدود تحلیل شده است. اما پیامدهای اقتصادی این جنگ به علل مختلف هنوز مورد بررسی کارشناسانه درخور توجهی قرار نگرفته است. همایش تخصصی حاضر درصدد پرداختن به جنبه‌هایی از تحلیل اقتصادی جنگ تحمیلی بر مبنای پژوهش نسبتاً مفصلی می‌باشد که در دانشکده و پژوهشکده علوم دفاعی و امنیت ملی اجرا شده است.

۱- مبانی نظری تحلیل اقتصادی جنگ تحمیلی

در مقاله نخست با عنوان "مبانی نظری تحلیل اقتصادی جنگ تحمیلی"، چارچوب نظری تحلیل جنگها - از جمله جنگ تحمیلی - از دو دیدگاه خرد و کلان ارائه می‌گردد. تحلیل علمی جنگ کار ساده‌ای نیست. در این میان، اگر چه جنگها هر یک دارای ویژگیهای منحصر به فردی هستند اما خصیصه‌های مشترکی نیز در آنها یافت می‌شوند، و از این رو می‌توانیم از مبنای نظری تحلیل جنگها سخن به میان بیاوریم که فراتر از بررسی موردی جنگها می‌باشد. نویسنده در این مقاله درصدد است که با تمرکز بر این جنبه مهم، چارچوبی تحلیلی و مبنایی برای تحلیل اقتصادی جنگ - از جمله، جنگ تحمیلی - ارائه کند. برای این کار، نخست نوع و سطح و شدت و مدت و وسعت جنگها را که در نظر گرفته و به تحلیل آن می‌پردازد، این دقت از آن جهت اهمیت دارد که هر کدام از موارد بر شمرده شده، می‌تواند در نوع و میزان تأثیرگذاری جنگ دخیل باشد.

این مقاله در پایان، به تأثیرات احتمالاً مثبت جنگها حتی در عرصه اقتصاد نیز اشاره می‌کند که در برخی موارد، مطالعات تجربی مواردی از آن را بویژه در کوتاه‌مدت تأیید کرده‌اند. به علاوه، جنگ - بویژه جنگ خارجی - می‌تواند تأثیرات مثبتی در سایر جنبه‌های ملی نیز به همراه داشته باشد. اما روشن است که

برای دستیابی به این پیامدهای مثبت، الزاماً اقدام به جنگ توجیه منطقی دربر نخواهد داشت.

۲- تجربه اقتصادی جنگها

مقاله دوم با عنوان "تجربه اقتصادی جنگها"، به بررسی تاریخی جنبه‌های اقتصادی برخی جنگهای عمده قرن بیستم و جنگهای اخیر می‌پردازد. در این مقاله سعی شده است که برخی وجوه تشابه و تمایز اقتصادی جنگهای مورد بررسی، جمع‌بندی شوند تا علاقه‌مندان بتوانند آنچه را درباره جنبه‌های اقتصادی جنگ تحمیلی می‌شناسند، با تجربه سایر جنگها مقایسه کنند، و درباره پیامدهای محتمل جنگهای آینده نیز بیندیشند؛ از جمله: جنگ جهانی اول میراث بیکاری، تورم، ویرانی، رکود اقتصادی و آشوب جهانی را از خود بر جای گذاشت. در این جنگ نظریه‌های استبدادی ظهور کردند و ملت‌های تهی‌دست و جنگ‌زده، در جستجوی حل سریع مشکل خویش، به نویدهای حکومت‌های دیکتاتوری روی آوردند.

کشورما نیز به‌رغم بی‌طرفی در جنگ جهانی اول، دچار اثرات اقتصادی ناگواری شد که در اصل این مقاله به اختصار اشاره شده‌اند.

در جنگ جهانی دوم کشورهای آلمان، ژاپن و ایتالیا به‌رغم برخورداری از ذخایر اقتصادی و سطح بالای توسعه، معتقد بودند که جنگ می‌تواند ابزاری در جهت منفعت اقتصادی و حل معضلات اقتصادی باشد. تجربه جنگ جهانی دوم نشان داد که جنگ محرک نیرومندی برای رشد اقتصادی است.

طی جنگ ویتنام شمالی و جنوبی مشکل بیکاری بسیار حاد شد. هزینه‌های مستقیم جنگ ویتنام برای آمریکا بین ۱۱۰ تا ۱۵۰ میلیارد دلار برآورد شده است.

این جنگ باعث تشدید تورم، بی‌ثباتی اقتصادی، ناآرامی، سرخوردگی و یأس فزاینده نسبت به اقتدار حکومت در آمریکا شد.

با اشغال افغانستان توسط شوروی سابق، میزان رشد فعالیتهای اقتصادی افغانستان کاهش زیادی پیدا کرد. نیروی کار کاهش یافت. کاشت و برداشت شدیداً صدمه دید، و با سیاست "سرزمین سوخته"، بسیاری از مزارع و جنگلها با موشک و بمب به آتش کشیده شدند تا برای مجاهدین غیرقابل استفاده شوند.

در جنگ کویت (جنگ اول خلیج فارس)، هزینه‌های مستقیم جنگ برای آمریکا به ۸۰ میلیارد دلار جاری رسید که ۸۰ درصد آن را متحدان آمریکا - یعنی کشورهای آلمان و عربستان - پرداخت کردند.

اثرات و پیامدهای اقتصادی جنگ برای آمریکا فراتر از هزینه بودجه‌ای مستقیم است. از جمله این پیامدها می‌توان به افزایش هزینه نفت و وارداتی، کاهش رشد بهره‌وری و رکود اشاره کرد. لازم به ذکر است که جنگها علاوه بر هزینه بودجه‌ای، هزینه‌های انسانی‌ای به همراه دارند، که جبران‌ناپذیر می‌باشد.

۳- تحلیل نظام‌مند و پویای اثرات جنگ تحمیلی بر اقتصاد جمهوری اسلامی ایران
مقاله سوم با عنوان "تحلیل نظام‌مند و پویای اثرات جنگ تحمیلی بر اقتصاد جمهوری اسلامی ایران"، درصدد فرموله کردن و الگوسازی نحوه تعامل پویای متغیرهای عمده اقتصادی در دوران جنگ تحمیلی می‌باشد. در این مقاله، از مبانی نظری تحلیل جنگها پا فراتر گذاشته شده و به جنگ تحمیلی به عنوان یک مورد خاص توجه شده، و نتایج حاصل از الگو ارائه شده است.

شناسایی دقیق اثرات جنگ تحمیلی بر اقتصاد کشور نیازمند بررسی تمامی اثرات مستقیم و غیرمستقیم عمده‌آن با یک دیدگاه پویا و سیستماتیک است. از

این رو، الگویی که در این مقاله برای بررسی اثرات جنگ تحمیلی بر اقتصاد کشور ارائه شده است، الگویی متضمن پویایی شناسی سیستم^۱ می باشد که اثرات کوتاه مدت و میان مدت جنگ تحمیلی بر اقتصاد کشور را در یک روند پویا و با یک نگرش سیستماتیک شبیه سازی می نماید. الگوی ارائه شده، یک الگوی دوطرفه حاروی هر دو جانب عرضه و تقاضای کل اقتصاد می باشد و دارای دو بخش اسمی و واقعی است. بخش اسمی شامل زیربخشهای تجارت خارجی، پول و قیمتها، دولت و دفاع می باشد، و بخش واقعی زیربخشهای تقاضا، عرضه و اشتغال را دربر می گیرد.

۴- اقتصاد منطقه ای (استانی) جنگ تحمیلی

در مقاله چهارم با عنوان "اقتصاد منطقه ای (استانی) جنگ تحمیلی" قلمرو تحلیل به سطح استانهای درگیر جنگ و همجوار کشانیده شده و به جای سطح ملی، تأثیرات بروز جنگ در سطح پنج استان درگیر، با استفاده از شاخص سازی از جمله بهره گیری از روش تاکسونومی، مورد بررسی قرار گرفته است. در مقاله حاضر، منظور از تحلیل اقتصاد منطقه ای جنگ تحمیلی، شناخت و بررسی اثرات جنگ از جمله بر ابعاد اقتصادی و کالبدی مناطق یا محدوده های جغرافیایی مورد نظر است. جنگ تحمیلی گرچه خسارات و صدمات انسانی و مالی جبران ناپذیری داشت و عوارض آنها در سرتاسر کشورمان بروز نمود، اما مناطق مرزی (استانهای غربی و جنوب غربی کشور) و استانهای همجوار آنها بیشتر در معرض آسیبهای حاصل از جنگ قرار گرفتند. در این مقاله، محدوده های جغرافیای مورد مطالعه، استانهای آذربایجان غربی، کرمانشاه، ایلام،

خوزستان، کردستان به عنوان استانهای مرزی درگیر و یزد و همدان به ترتیب به عنوان استانهای خارج از محدوده مستقیم جنگ و همجوار استانهای درگیر انتخاب شده‌اند، تا تأثیر کلی جنگ تحمیلی در ابعاد مختلف مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

۵- روند تحولات عمده سیاسی، نظامی و اقتصادی در دوران دفاع مقدس
 سرانجام، مقاله پنجم به بررسی "روند تحولات عمده سیاسی، نظامی و اقتصادی در دوران دفاع مقدس"، پرداخته است. موضوع این مقاله از این جهت اهمیت دارد که تحولات و نقاط عطف دوران دفاع مقدس از سه جنبه سیاسی و نظامی و اقتصادی به گونه‌ای تطبیقی بررسی می‌شود، و امکان تصور فضای چندبعدی جنگ برای مخاطب فراهم، و زمینه برای آگاهی از نحوه تعامل بین این جنبه‌ها آماده می‌گردد. بی تردید عدم نگرش جامع و چندجانبه به جنگ، نارسایی عمده‌ای است که بسیاری از تحلیلهای گذشته، از آن خدشه دیده‌اند.

پروفسور سجاد علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی